

## بررسی بزه دیده شناسی حمایتی از منظر بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی

سید امین صلاح الدین<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خمین و کارآموز مرکز وکلای قوه قضائیه

### چکیده

بزه دیده یکی از ارکان مهم پدیده مجرمان است. متأسفانه تاکنون پژوهش‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی جوامع موقعیت واقعی و تعیین کننده خود را نیافته است و بیشتر صاحب نظران حقوق جزا و جرم‌شناسی بیشترین تلاش خود را به عناصری چون جرم و مجرم متمرکز نموده اند و در نتیجه قربانی جرم اغلب در وقوع جرم نقش مؤثری ایفا می‌کند و از نظر دور مانده است. با ظهور بزه دیده شناسی گام مؤثری به منظور مطالعه علمی و بزه دیدگان و شناسایی ویژگی عملکرد آنان در ارتکاب جرم برداشته شده و به سبب تأثیرگذاری انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی چشم انداز جدیدی تحت عنوان حمایت از بزه دیدگان فراروی بزه دیده شناسان قرار گرفته است. در این تحقیق موضوع بزه دیده شناسی حمایتی از بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی مورد رسیدگی قرار گرفته است. بخش اول به بررسی تعاریف و رویکرد قوانین بین‌المللی در حمایت از بزه دیدگان و بررسی حمایت از گونه‌های خاص آن و انواع حمایت پرداخته شده و در بخش دوم حمایت از بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی مورد بحث قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: بزه دیده، جرایم، اشخاص حقوقی

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: amin.salahedin@yahoo.com

فایده ذکر تاریخچه کامل هر موضوع در آن است که محقق را در جریان طبیعی و عادی آن آگاه کرد و حس مقایسه ای در وی ایجاد کند و با اطلاعاتی که به دست می آورد دقیقتر شد، می تواند در خصوص تغییرات حاصله بررسی و از منشأ و کیفیت آن اطلاع حاصل نماید تا در صورت ضرورت مثلاً برای تفسیر و استنباط آن موضوع از آن بهره گیرد. در بزه دیده شناسی حمایتی تا اواخر نیمه اول قرن بیستم میلادی توجه خاص و مستقلی به بزه دیده از سوی اندیشمندان و سیاست گذاران علوم جنایی نشده بود (ویلیامز کاترین، ۲۰۰۳) (۱۳۸۲ و صفاری ۱۳۸۹) و تنها عده بسیار کمی از نویسندگان به بزه دیدگان توجه کرده بودند یکی از این نویسندگان «دون مانوئل دلار دیزابال اوریو» بود که در کتاب خویش تحت عنوان «سخنانی پیرامون مجازات ها» جبران خسارت از بزه دیده را یکی از اهداف مجازات ها اعلام کرد. تا اینکه حدوداً کمتر از یک قرن بعد از تحولی مهم که در عرصه علوم جنایی یعنی به وجود آمدن جنبش ایتالیایی تحقیقی و به وجود آمدن دانشی به نام جرم شناسی (۱۸۷۶)، نگاه اندیشمندان به ویژه جرم شناسان به سمت بزه دیده تغییر جهت یافت این دسته از جرم شناسان به منظور پیشگیری از جرم و تکمیل مباحث علت شناسی جنایی تلاش برای شناخت شخصیت بزه دیده و نقش وی در ارتکاب جرم نموده اند، زیرا از منظر مکتب تحقیقی رفتار مجرمانه تحت تأثیریکسری عوامل یا نیروهای جسمانی یا فیزیولوژیکی یا اجتماعی شکل می گیرد که مرتکبان آن قادر به کنترل و حتی درک آن نیستند. در این رویکرد بزهکار خود قربانی جرم تلقی می شود که با نفی اصل اختیار و آزادی اراده حقوق جزای کلاسیک اصل اجبار را جایگزین آن می نماید. البته نویسندگان این مکتب نیز به حمایت از بزه دیده گاهی هم همت گذاشته اند از جمله انریکوفری در کنگره انسان شناسی جنایی حمایت از بزه دیده را ضروری می دانست (پرادل، ۱۳۸۱). مطلبی که باید مورد اشاره قرار گیرد این است اگر چه تا سال ۱۹۴۱ توجه مستقل از سوی اندیشمندان و سیاست گذاران نشده بود؛ اما این بدان معنی نیست که آنها هیچ اعتقادی به بزه دیده و جبران خسارت از ایشان را نداشته اند، بلکه جبران خسارت وارده به بزه دیده مورد توجه و اعتقاد آنها نیز بوده است. اصطلاح بزه دیده شناسی که برای اولین بار به صورت سیستماتیک (علمی) مورد مطالعه قرار گرفت توسط دانشمندی به نام «فون هتینگ» در سال ۱۹۴۱ در مقاله ای تحت عنوان «ملاحظات درباره تعاملی میان مجرم و بزه دیده» و سپس در سال ۱۹۴۸ در کتابی تحت عنوان مجرم و قربانی او صورت گرفت. فون هتینگ در این کتاب به مطالعه نظری انواع بزه دیدگان و ارتباط میان بزه دیده و بزهکار و نقش بزه دیدگان در بزه دیدگی شان از طریق تحریک و اغوای مجرم اصرار ورزیده است که این کتاب سنگ بنای بزه دیده شناسی هتینگ شمرده می شود. بعد از فون هتینگ دانشمندانی همچون مندلسون ابتدا در کنگره بخارست در فرانسه و سپس در سال ۱۹۵۶ که نظریه معروف خود را بر پایه نقش بزه دیده در فرایند جرم ارائه و دسته بندی بزه دیدگان بر این را بر این اساس می دانست، عزت عبد الفتاح (۱۹۶۱) نیز دارای چندین کتاب و مقاله دانشگاهی در زمینه بزه دیده شناسی است مانند: سیاست جرم تا سیاست بزه دیده، شناخت بزه دیدگی، به سوی یک بزه دیده شناسی انتقادی و... می باشد. بنابراین بزه دیده شناسی اولیه به نوعی توصیف علی از جرم و نقش بزه دیده در ایجاد آن است در واقع ادامه مباحث علمی مربوط به علت شناسی جنایی است که در جرم شناسی مطرح می باشد، در نظام جزایی ایران می توان مواردی را نام برد که منطبق با نوعی بزه دیده شناسی علت شناختی است مانند: بند ۳ ماده ۳۷ و بند ۵ ماده ۲۶۲ و ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰. در این زمینه تاکنون مطالعات مختلفی صورت گرفته است که می توان به موارد زیر اشاره کرد: بیژنی میرزا و شاملو (۱۳۹۶)، در مطالعات خود به دادرسی توافقی در پرتو بزه دیده شناسی اولیه در حقوق ایران و اسناد بین المللی پرداختند. توافقی بودن دادرسی به معنای اعطای فرصت و امکانات لازم از سوی مرجع قضایی به طرفین اختلاف جهت طرح ادعاها و دفاع از آنهاست که به موجب آن طرفین از ادعاها و ادله طرف مقابل در جریان دادرسی آگاه شده و به دفاع در مقابل آنها می پردازد. اصل برابری سلاحها در مقررات و اسناد بین المللی به طور خاص شامل متهم می شود و تا پیش از توجه جرم شناسان به حقوق بزه دیده، به حقوق وی در جریان دادرسی توجه نشده و جهت

گیری این مقررات بیشتر ناظر به شخص متهم بوده است. بنابراین بزه‌دیده اگرچه یکی از ارکان دادرسی توافقی محسوب می‌شود ولی حمایت از بزه‌دیده نباید هیچ‌کدام از حقوق متهمان وارد کند. همچنین که دیباچه اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل بر به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیدگان و احترام به این حقوق به منزله مهم‌ترین هدف اعلامیه بدون هیچ‌کدام از حقوق مظنونان و بزهکاران تأکید می‌کند. از این رو توجه بیش از حد به بزه‌دیده و نیازهای وی و تأمین امنیت او در برابر بزهکار و جبران خسارت‌های وارده‌اش نگرانی دیگری را برای اندیشمندان حقوق کیفری مطرح ساخته است که گفتمان حمایت از بزه‌دیده باعث تحدید پاره‌ای از حقوق متهمان و تشدید گرایش امنیت‌گرا شده است. پس این خطر وجود دارد که تأکید بر حقوق بزه‌دیده منجر به نقض حقوق بزهکار گردد؛ خصوصاً در جوامعی که اجرای عدالت را اجرای مجازات می‌دانند. رایجیان اصلی (۱۳۸۵)، در تحقیقی تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه را مورد مطالعه قرار دادند. هدف اصلی این دادرسی‌ها عبارت است از محکومیت و اعمال کیفر متناسب نسبت به بزهکار و تبرئه فرد بیگناه. هدف دیگر این دادرسی‌ها را میتوان پرهیز از تحمیل درد و رنج، دردسرهای یا کیفر افزون بر کسانی دانست که در راستای تحقق هدف اصلی نقش دارند. از این دیدگاه، می‌توان گفت که متهم باید به منزله کانون اصلی دادرسی‌های کیفری باقی بماند و از این رو، اشتباه‌های قضائی و محکومیت نادرست افراد بیگناه یکی از خطرهای مهمی است که همواره نظام عدالت جنائی را تهدید می‌کند. اگر چه این مسأله ممکن است با نگرش یا رویکرد دولت نسبت به این نظام تفاوت داشته باشد، به نظر می‌رسد که در نگرش دولت هدف این نظام باید کاهش جرم از رهگذر پیشگیری از بزهکاری، اجرای منصفانه و اثربخش عدالت، و رواج دادن اطمینان از حاکمیت قانون باشد. همچنین، دولت باید خود را پایبند به هم‌تراز کردن حقوق بزه‌دیدگان و متهمان بسازد. زیرا، تردیدی نیست که وزن عدالت جنائی پیش از این بیشتر به سود متهمان سنگینی کرده است. در این میان، نباید فراموش کرد که تمایز مهمی میان آنچه حقوق شکلی برای بزه‌دیدگان (یعنی حقوقی که به فرایند دادرسی مربوط می‌شوند) و حقوق خدماتی یا خدمات حمایتی (یعنی حقوق و خدماتی که حتی بیرون از نظام عدالت جنائی و دادرسی‌های کیفری ممکن است برای حمایت از بزه‌دیده به کار بسته شوند) وجود دارد. اگر چه حقوق خدماتی به طور کلی اثر اندکی بر وضعیت متهمان می‌گذارند، حقوق شکلی بیشتر ممکن است حقوق متهمان را پایمال کنند. به سخن دیگر، نظام عدالت جنائی با تمرکز بر مفهوم هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم ممکن است انتظارات نادرستی را برای بزه‌دیدگان، خانواده آنان و حتی جامعه ایجاد کند و در عین حال، به نادیده گرفته شدن برخی از حقوق متهمان بینجامد. در نتیجه، در به کار بستن راهبرد هم‌ترازی در بستر دادرسی عادلانه، نظام عدالت جنائی همواره باید مراقب باشد که منافع بزه‌دیدگان به ابزاری برای نقض حقوق متهمان تبدیل نشود. دادرسی عادلانه تنها در این سطح است که می‌تواند بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر به هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) جامه عمل بپوشاند. میرکمالی (۱۳۹۴)، نقش بزه‌دیده در حقوق کیفری انگلستان را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که شیوه دادرسی در دادگاه‌های کیفری انگلستان اتهامی است و ماهیتی مشابه دادرسی در امور حقوقی دارد بنحوی که طرفین دعوا به شکلی توافقی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و به منازعه می‌پردازند؛ با این تفاوت که یکی از طرفین یعنی دادستان نماینده دولت است. با این توصیف بنظر می‌رسد در این دعوا بزه‌دیده‌ای وجود ندارد در حالیکه می‌دانیم جرم علیه او واقع شده است. علاوه بر آن در فرایند دادرسی کیفری حتی اگر بزه‌دیده اقدامی نکند باز هم در جریان محاکمه وجود او مد نظر قرار گرفته می‌شود، که می‌توان به موارد اعلان، اظهار نظر و شکایت اشاره نمود که از سوی او تنظیم و طرح می‌شود. در واقع می‌توان گفت که بزه‌دیده صرفاً شروع کننده امر تعقیب است به همین خاطر بزه‌دیده به عنوان مهره اصلی در روند دادرسی کیفری حضور ندارند و علیرغم اینکه در هر لحظه از فرایند دادرسی اسمی از بزه‌دیده وجود دارد و جایگاهی برای او در نظر گرفته‌اند اما حضورش منفعلانه است و جایگاه او منحصر به اطلاع رسانی، پرداخت خسارت و یا جبران لطمات وارده است. کاظمی و چیگنی (۱۴۰۰)، در تحقیقی چالش‌های احقاق حق بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی را مورد مطالعه قرار دادند. شیوه‌های بزه

دیدگی اشخاص حقیقی ناشی از جرایم اشخاص حقوقی، با توجه به نوع فعالیت این اشخاص متفاوت است. گاهی شخص حقوقی با آلودگی محیط زیست، هوا، آب اشخاصی چون کودکان و زنان و گاه با حوادث ناشی از کار شرب و گاه با استثمار و به کارگماشتن و یا قصور در انجام وظایف محوله، موجبات بزه دیدگی شخص حقیقی را فراهم می‌کنند. زیان‌ها و آسیب‌های وارده از طرف اشخاص حقوقی به قربانیان، دارای ابعاد مختلف جسمی، مالی و معنوی است و گاه ممکن است اثرات آنها تا مدتها و شاید تا پایان عمر با این بزه‌دیدگان باقی بماند. این آسیب‌ها مواردی چون مرگ، قطع عضو و ازکارافتادن اعضای بدن، ازدست دادن اموال، افسردگی و اختلال‌های روانی را به همراه خواهد داشت. بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در احقاق حق خود و مطالبه‌ی خسارات واردشده با مشکلات فراوانی مواجهند. نابرابری قدرت اقتصادی بزهکار و بزه دیده، فقدان جرم انگاری توسط قانون‌گذاران، نبود مقررات دادرسی مناسب و کافی، مشکلات ناشی از کشف جرم، بی‌اطلاعی از بزه‌دیدگی، و دشواری اثبات رابطه علیت بین زیان‌های وارده و رفتار شخصی حقوقی از عمده مشکلات بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی است و تا زمانی که این مشکلات باقی است، احقاق حق بزه‌دیدگان به صورت کامل محقق نخواهد شد. در جهت رفع این مشکلات، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود (۱) قانونگذار باید درباره رفتارهای ارتكابی شخص حقوقی سختگیری بیشتری داشته باشد و با تصویب قوانین کیفری مناسب و ضمانت اجراهای قوی، سبب پیشگیری از وقوع جرایم این اشخاص شود. همچنین به منظور رفع موانع دادرسی، در تکمیل قانون آیین دادرسی اشخاص حقوقی اقدام کند و آیین دادرسی مفصل‌تری را برای رسیدگی به جرایم این اشخاص مورد تصویب قرار دهد؛ (۲) ضروری است قوه قضاییه شعب ویژه و قضات آموزش دیده را برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی در نظر بگیرد، زیرا جرایم ارتكابی این اشخاص از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که اثبات و رسیدگی به آنها توسط قضات آموزش‌دیده امکان‌پذیر است. علاوه بر آن، چنین اقدامی سبب پیشگیری از اطلاع دادرسی در رسیدگی به جرایم خواهد شد؛ (۳) قوای مقننه، قضاییه و حتی مجریه باید حمایت‌های الزم از بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی را مدنظر قرار دهند و تا جای ممکن در کاهش آسیب‌های وارده به این اشخاص بکوشند؛ (۴) نهادهای ذیصلاح باید نسبت به بالابردن آگاهی مردم درباره جرایم اشخاص حقوقی اقدامات الزم را به عمل آورند، زیرا زیان دیدگان این جرایم اغلب از بزه‌دیدگیشان مطلع نیستند و یا در صورت اطلاع، آگاهی کافی نسبت به پیگیری این امور ندارند. داودی و همکاران (۱۳۹۹)، آسیب‌شناسی حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند در نظام کیفری ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی و حقوق امریکا مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از تحقیقشان نشان داد که تنوع و گوناگونی لایه‌ها و ابعاد سیاست جنایی، در ارتباط با بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، این امکان را می‌یابد که به یک ساختار چندبعدی حمایتی منجر شود که اصل و اساس آن را سیاست جنایی تقنینی می‌سازد. از طرفی دیگر نیز در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیده در عرصه بین‌الملل، لزوم تدوین اسناد بیشتر در این خصوص محسوس می‌باشد. لعل‌علیزاده (۱۳۹۶)، در تحقیقی بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی مورد مطالعه قرار دادند. با عنایت به اینکه ق.آ.د.ک به تأسی از مطالعات تطبیقی در موارد خاص، حق اعلام جرم و مشارکت در رسیدگی برای سازمان‌های مردم‌نهاد را مورد پذیرش قرار داده است. پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از نظری و نمایشی تلقی شدن این موضوع و هم در خصوص بزه‌دیدگان غیرمستقیم و شفاف‌سازی ضرر و زیان‌های قابل مطالبه؛ از طریق تدابیر آئین‌نامه‌ای، ساز و کارهایی شفاف عملی ارائه شود. در راستای حفظ هویت و اسرار بزه‌دیدگان، برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان و اخذ تعهدات و تصمیمات لازم از آنان، اطمینان بخشی به بزه‌دیدگان راجع به مکتوم ماندن هویت و محتویات پرونده‌ها و امنیت سامانه‌های رایانه‌ای، تغییر در رویه نادرست ابلاغات (بدون لفاف) ضروری است. با توجه به اهمیت و نو بودن مقررات ق.آ.د.ک درباره بزه‌دیدگان باید با استفاده از تجارب دیوان، آگاه‌سازی عمومی راجع به حق‌های بزه‌دیدگان از طریق رسانه‌های صوتی، تصویری، مطبوعات، بروشورها و پایگاه‌های اینترنتی توسعه یابد. مهمتر اینکه باید با بازنگری در برخی ضمانت‌اجراهای نقض حق‌های بزه‌دیده، تدابیری نظیر

((بطلان اقدامات)) را در کنار جرم و تخلف شناخته شدن این نقض‌ها مد نظر قرار داد. همچنین ضرورت دارد دکترین حقوق کیفری در اقدامات تقنینی و رویه قضایی، استانداردها و ساز و کارهای بایسته به‌منظور ایجاد هم‌ترازی میان حق‌های بزه دیده و متهم، تبیین گردد. محمودی برام و صالحی (۱۴۰۰)، بزه دیده شناسی در نظام حقوقی ایران را مورد مطالعه قرار دادند. آنها در این پژوهش با بررسی همه عناصر بزه‌دیده‌شناسی و تعاریف گوناگون از این مقوله و تاثیرات آنها در پیشگیری از وقوع جرم و با بررسی بزه‌دیده‌شناسی علمی و حمایتی و تاثیر آن بر قوانین کیفری پرداختند. پارسایی و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان در برابر جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی را مورد مطالعه قرار دادند. در قالب جرم انگاری رفتارها، اگرچه بسیاری از رویه‌های مغایر اصول و ضوابط عملکرد اشخاص حقوقی جرم انگاری شده‌اند، اما پراکندگی قوانین و نیاز ویژه به قانون جامع با سرازوکار مشرخی حمایتی از بزه دیدگان اشخاص حقوقی از جمله ایرادات اساسی این کنترل کیفری است. این ایراد در کنار قدرت قابل توجه بسیاری از اشخاص حقوقی، مانند شرکت‌های تولیدکننده خودرو و یا شرکت‌های مخابراتی، به نقض حداکثری حقوق اشخاص منتهی شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در حقوق ایران برقرارساختن زیرساخت‌های لازم در جهت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه امری زمانبر است، مقتضی است که پس از توجه ویژه به حمایت کیفری و حمایت جبرانی - حقوقی، بسترهای اعمال حمایت‌های پیشگیرانه به شکل مشارکتی و تقویت عملکرد پیشگیرانه از طریق نظارت و بازرسی اقدام نمود. پس از انجام مطالعات موارد زیر توسط آنها در تحقیق پیشنهاد گردید:

- ۱- سازوکارهای حمایت از اشخاص بزه دیده در جرایم سازمان یافته با استمداد از سیاست جنایی تقنینی علمی و کارآمد به توسعه حق‌های بنیادی و حقوق بشری قربانیان جرم توجه نماید. برای مثال در مرحله پساکیفری راهکارهای مشخصی برای حمایت از قربانیان در اکثر نظام‌های حقوقی از جمله ایران وجود ندارد. ۲- از حیث حقوق شکلی نیز سیاست جنایی کرامت مدار اقتضا دارد تا قربانیان جرایم سازمان یافته بتوانند از حقوق انسانی در مراحل پیش دادرسی، دادرسی و پس از آن از حمایت‌های دستگاه قضایی برای تحقق نظم عادلانه در فرایند دادرسی برخوردار شوند. ۳- توسعه روش‌های پیشگیری مبتنی بر کنشگری می‌تواند هزینه دسرتگاه عدالت کیفری را تقلیل بخشد؛ زیرا قربانیان جرایم سازمان یافته علاوه بر هزینه‌های مادی به عنوان افراد آسیب پذیر برای ادامه حیات فردی و اجتماعی نیازمند مراقبت و درمان می‌باشند. از این حیث پیشگیری کنشی بیس از پیشگیری واکنشی می‌تواند کارا و اثر بخش باشد. هدف از این پژوهش بررسی بزه دیده شناسی حمایتی از منظر بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی می‌باشد که در ادامه مراحل آن مورد بررسی قرار گرفته است.

### روش تحقیق

در این تحقیق پس از بررسی مطالعات صورت گرفته مرتبط با موضوع در ایران و سایر مطالعات، بزه دیده شناسی حمایتی از بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت با جمع‌بندی منابع و مطالب به تشریح تحقیق بصورت زیر پرداخته شد.

### حمایت از بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در مرحله کشف و تعقیب

با توجه به قوانین موضوعه که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قوانین ما حکم فرما شد کشف و تعقیب جرم از اهمیت زیادی در جهت حفظ حقوق بزه دیدگان و حمایت از آنان بر خوردار می‌باشد و از آنجایی که اولین اقدام در جهت کشف توسط پلیس انجام می‌گردد و در اغلب موارد زیر بنای پرونده کیفری را اقدامات اولیه ضابطان (۱) به ویژه نیروی انتظامی تشکیل می‌دهد از این رو افرادی که این امر مهم را به عهده دارند باید نهایت دقت را به عمل آورند و در صورت امکان از پلیس قضایی و نیروهای مسئول و آگاه و مجرب استفاده شود و از سوی دیگر وظایف و اختیارات این مأموران از سوی قانونگذار به دقت مشخص شود تا اعتماد شهروندان را به هنگام طرح شکایت نزد آنان را موجب شود و نهایت امنیت جامعه

فراهم گردد. و بعد از کشف جرم اقدامات بعدی که توسط دادسرا صورت می گیرد. بنابراین به بررسی وظایف ضابطان دادگستری و دادسرا در استای حمایتی که از بزه دیدگان در مرحله کشف و تعقیب جرم به عمل آمده است می پردازیم:

### شروع به تعقیب و نظارت بر تحقیقات مقدماتی

شروع به تعقیب دعوی عمومی ناشی از جرم به عهده دادستان است که در بند «الف» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۵ تیر ماه ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی تا ۲۸ مهر ۱۳۸۱ مقرر می دارد «دادسرا عهده دار کشف جرم تعقیب متهم و...» است. و از آنجایی که جرایم اشخاص حقوقی ممکن است جنبه عمومی داشته باشد که دارای اهمیت مخصوصی است زیرا باعث بزه دیدگی تعداد زیادی از افراد جامعه می شود از این جهت حمایتی که قانونگذار این حمایت را از بزه دیدگان این جرایم به عمل آورده است زیرا بر اساس تبصره ۲ ماده ۲ آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ جنبه عمومی جرم همیشه وجود دارد و بدون جنبه عمومی جرم قابل تصور نیست که بر اساس بند «الف» ماده ۳ مذکور تعقیب متهم و مجرم از جهت حق الهی برای حفظ حقوق عمومی است این امر بر عهده دادستان قرار دارد. و نیز بر اساس ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ شکایت بزه دیده برای رسیدگی کافی است و دادگاه نمی تواند از این امر خود داری نماید. حمایت دیگری که قانونگذار از بزه دیدگان به عمل آورده است نظارت بر تحقیقات مقدماتی است که در بند «ه» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مقرر گردیده که «دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت [دادستان] در صورتی تحقیقات باز پرس را ناقص ببیند می تواند تکمیل آن را بخواهد ولو اینکه بازپرس تحقیقات خود را کامل ببیند». از دیگر حقوقی که مقنن برای بزه دیده در مرحله تعقیب قائل است ماده ۱۱ آ.د.ک. است که مقرر می دارد «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی یا شاکی می تواند اصل یا رو نوشت تمام دلایل خود را پیوست پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و...». برای شروع به تعقیب از بزه دیدگان، متهمان، شهود تحقیق به عمل می آید که برای حمایت از بزه دیده است در زیر به بیان آنها می پردازیم:

### تحقیق از بزه دیده یا بزه دیدگان در جهت حمایت از آنان

این موضوع براساس ماده ۶۹ آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ صورت می پذیرد، و شکایت شفاهی بر اساس تبصره ۲ ماده مذکور برای رسیدگی و تحقیق از متهم می تواند کافی باشد. بر اساس ماده ۱۲۹ آ.د.ک. ۱۳۷۸ دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقررات مربوط به تعیین محل اقامت برای شاکی یا مدعی خصوصی یا همان بزه دیده می باشد که قاضی در همان جلسه نخست به او تفهیم می نماید که محل اقامت خود را معین نماید و در صورت تغییر آدرس بزه دیده را موظف نموده است که محل اقامت جدید خود را اعلام نماید که این امر در جهت حمایت از بزه دیده برای ابلاغ اوراق قضایی تا در صورت لزوم به ارائه ادله و مستندات برای دفاع از خود بپردازد. که در این خصوص حمایت های ویژه قضایی در نظر گرفته شده است. که جهت تفهیم بیشتر موضوع مراجعه به قوانینی که در این زمینه وضع شده است پیشنهاد می گردد (آشوری، ۱۴۰۰) و (آخوندی ۱۳۸۸). با توجه به قوانین و موازین شرعی جرایم از حیث نقش بزه دیده به دو دسته تقسیم می شوند؛ یکی جرایم قابل گذشت و دیگری جرایم غیر قابل گذشت که و از آنجایی که جرایم اشخاص ممکن است در یکی از دو مقوله قرار گیرد: (۱) نقش بزه دیده جرایم قابل گذشت و حمایت از آنها (۱- جرم مندرج در ماده ۵۹۷ به صورت ترک فعل است که برای تحقق آن چند شرط لازم است: (۱) مرتکب ار مقامات قضایی باشد (۲) شکایت و تظلم به نزد وی برده شده باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۲). (۳) این شکایت و تظلم مطابق مقررات قانونی به نزد وی برده شده باشد. رسیدگی به شکایت از وظایف آنان باشد. (۲) نقش بزه دیده در جرایم غیر قابل گذشت (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰). (۳) تحقیق از متهم در جهت حمایت از بزه دیده (آشوری، ۱۴۰۰). (۴) استماع اظهارات شهود در جهت حمایت از بزه دیده (کاتوزیان، ۱۳۸۵، آشوری، ۱۴۰۰).

### رسیدگی به در خواست ضرر و زیان در جهت حمایت از بزه دیدگان

جبران ضرر و زیان ناشی از جرم ممکن است در محاکم حقوقی در خواست شود یا ضمن تعقیب دعوای در دادگاه کیفری رسیدگی به جرم اقامه گردد. در صورت مطالبه آن در دادگاه کیفری بخش مهم و اساسی دعوای خصوصی را تشکیل می دهد که در عرف قضایی کشور ما منظور از دعوای خصوصی همان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از سوی مدعی خصوصی است. (آخوندی، ۱۳۹۲). بنابراین برای مطالبه ضرر و زیان مدعی یا بزه دیده در زمان معین قانونی که بر اساس ماده ۴۸ آ.د.م باید دادخواستی را به دادگاه کیفری تقدیم نماید و بر اساس ماده ۳۰۱ آ.د.ک. ۱۳۷۸ مدعی خصوصی که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان نماید باید هزینه دادرسی بر اساس مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد و قانونگذار حمایتی که در ادامه این ماده از بزه دیدگان به عمل آورده این است که در صورت عدم توانایی بزه دیده از پرداخت هزینه های این درخواست او را معاف ساخته است. اما از آنجایی ضرر و زیانهایی که بر اثر ارتکاب جرم به اشخاص حقوقی وارد می شود بیشتر به صورت مالی تجلی پیدا می کند و باعث بزه دیدگی افراد زیادی از جامعه می شود. همانطور که قبلاً گفته شد قانونگذار در ماده ۹ آ.د.ک. ۱۲۹۰ ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است از انواع ضرر و زیانهایی قابل مطالبه دانسته است و در این خصوص اصل حقوقی مسلم و شناخته شده ای وجود دارد آن است که قاضی باید این نوع خسارت ها را بدون توجه به اهمیت جرم و شدت و ضعف مجازات و وضعیت اقتصادی و اجتماعی مجرم یا مجنی علیه صرفاً زیان وارده به بزه دیده را مد نظر قرار داده و میزان و حدود غرامت را معادل با تلف حاصله محاسبه نماید (آخوندی، ۱۳۹۲).

### حمایت از بزه دیدگان در مرحله تجدید نظر

قانونگذار بعد از صدور حکم در مرحله تجدید نظر حقوق و منافع بزه دیده را مد نظر داشته و در این مرحله مقرراتی به این مهم برای حمایت از بزه دیدگان قرار داده است . در مورد تجدید نظر از احکام صادره و حمایت از بزه دیده باید یاد آوری نمود که به موجب قانون آیین دادرسی کیفری قبلاً حق پژوهش و فرجام برای مدعی خصوصی از حیث ضرر و زیان پیش بینی شده بود که با جایگزینی آن به وسیله تجدید نظر و تصویب قانون موارد تجدید نظر از احکام دادگاه ها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ چنین حقی برای بزه دیده یا مدعی خصوصی منظور نگردیده بود تا اینکه با تصویب ماده ۳۴ قانون تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ بزه دیده می توانست در صورت وجود جهات مقرر در قانون تجدید نظر احکام صادره ، تقاضای تجدید نظر نماید ، این ماده مقرر می دارد « شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به حکم برائت متهم در صورت وجود جهات تجدید نظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ حق تجدید نظر دارد » که این ماده را می توان اولین اقدام حمایتی از بزه دیده در این مرحله از دادرسی دانست اما این حق که برای بزه دیده در نظر گرفته شده بود فقط در مورد حکم برائت متهم قابل اعمال است نه سایر موارد و رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۶۳-۱۳۷۰/۳/۲۸ به این امر اشاره دارد و مضمون آن چنین می باشد شاکی بر حسب قانون از برائت متهم حق تجدید نظرخواهی دارد . بنابراین با توجه به ماده مذکور و رأی وحدت رویه بزه دیده جرایم اشخاص حقوقی نسبت به ضرر و زیانهایی که بر اثر ارتکاب جرم به آنها می رسد حق تجدید نظر خواهی نداشته تا اینکه مقنن متوجه این نقض گردیده و در سال ۱۳۷۲ در بند «ب» ماده ۱۱ آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است که شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او از جهت برائت متهم یا از حیث ضرر و زیان حق تجدید نظر خواهی دارند همچنین قانون آیین دادرسی ۱۳۷۸ برای حمایت از بزه دیده پا قرا تر گذاشته و در بند ب ماده ۲۳۹ و ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات ۱۳۸۱ دیگر متذکر ضرر و زیان یا برائت نشده است. حمایت دیگری که از بزه دیدگان در این مرحله به عمل آمده است این امر می باشد هر چند براساس ماده ۲۳۶ آ.د.ک.

۱۳۷۸ که مقرر می‌دارد مهلت درخواست تجدید نظر بیست روز می‌باشد. در نهایت در صورتی بزه دیده با داشتن عذر موجه که در ماده ۲۳۸ مقرر گردیده موفق به تقدیم دادخواست نشود مقنن به حفظ حقوق بزه دیده و سایر اشخاصی که این حق را دارند در ماده ۲۳۷ به حمایت از آنها پرداخته است که بزه دیده درخواست تجدید نظر خود با دلیل و عذر تقاضای تجدیدنظر خود را به دادگاه صادر کننده رأی تقدیم می‌کند و دادگاه را نیز مکلف به رسیدگی آن کرده است.

## بخش دوم

### تقلب در مواد خوراکی، آشامیدنی و ... توسط اشخاص حقوقی و حمایت از بزه دیدگان

از جمله مواردی که روزانه به مصرف عمومی مردم در یک جامعه قرار می‌گیرد مواد خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی آرایشی و دارویی است این مواد به نوبه خود که مورد نیاز افراد جامعه است برای تأمین سلامت و ادامه زندگی سالم، ضروری و از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه و باعث شکوفایی اقتصاد جامعه خواهد شد. امروزه تهیه و آماده کردن انبوه مواد خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، آرایشی و دارویی مورد نیاز افراد یک جامعه در سطح کلان غالباً توسط کارخانه‌ها و صنایع غذایی به صورت بسته بندی و کنسرو شده با قید تاریخ مصرف در داخل یا خارج از کشور تولید می‌شوند و در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت و حفاظت و حمایت از سلامت مصرف کنندگان این گونه مواد تولید شده و قابل مصرف که تهیه و تولید انبوه آن از آغاز تحت نظارت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی قرار دارد که تولید این مواد با رعایت نکات و مقررات بهداشتی که از نظر وزارت مذکور مورد تأیید قرار گرفته است صورت می‌پذیرد و سپس در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌گیرد تا زمینه یک زندگی سالم را برای تمام افراد جامعه فراهم گردد اما ممکن است برخی تولید کنندگان شرکت های بزرگ تولیدی این مواد را برای کسب در آمد بیشتر به صورت پنهانی و دور از نظارت وزارت بهداشت و... با دخل و تصرف های غیر مجاز مبادرت به تولید انبوه این مواد نمایند و سلامت افراد یک جامعه را به خطر اندازد. بنابر این مسأله تقلب در مواد خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی و دارویی امروزه به عنوان یکی از مسائلی که سبب بزه دیدگی تعداد کثیری از افراد یک جامعه می‌شود و جامعه و افراد را با این معضل مواجه ساخته و از آن رنج می‌برند. که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) مفهوم لغوی و تعریف تقلب در مواد آشامیدنی، خوراکی، بهداشتی، دارویی (عمید، ۱۳۸۱) (ولیدی، ۱۳۸۸). (۲) اشکال گوناگون ارتکاب جرم تقلب در مواد خوراکی و آرایشی و بهداشتی.

### حمایت از بزه دیدگان جرایم تقلب در مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی

با استناد به مطالب ذکر شده جرم تقلب در مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی ممکن است از طرف اشخاص حقوقی نیز اتفاق افتد و این امر باعث شود که سلامت افراد جامعه در معرض خطر قرار گیرد و باعث شیوع بیماری های صعب‌العلاجی شود که احساس آرامش افراد جامعه را دچار تزلزل نماید زیرا این مواد به نوبه خود مورد نیاز همه افراد جامعه و برای ادامه زندگی سالم ضروری می‌باشد که برای تحقق این امر نیازمند حمایت هایی از طرف قانونگذار می‌باشد تا از یک جهت افراد جامعه احساس آرامش نمایند و از جهت دیگر بیماری های صعب‌العلاجی که بر اثر تقلب این مواد ضروری بیشتر شیوع پیدا کرده است کاهش یابد و از جهت دیگر یک نوع اقدام بازدارنده و تنبیهی برای اشخاصی که قصد ارتکاب این جرایم را دارند و یا مرتکب آن گشته اند که در ادامه موارد حمایت های مالی و کیفری که از طرف قانونگذار کشورمان از این بزه دیدگان به اشاره شده است: (۱) حمایت مالی از بزه دیدگان جرم تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی (توجهی، ۱۳۸۰). (۲) حمایت کیفری از بزه دیدگان جرم تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی (توسلی، ۱۳۸۹).



## نتیجه‌گیری

بقا و دوام زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی منوط است به اینکه محیط پیرامونی وی خالی از هر گونه رفتار مخاطره آمیز و توأم با امنیت و آرامش باشد. اما هر انسانی در طول زندگی و حیاتش ممکن است با رفتارهایی مخل امنیت و آزادی و مخل حقوقش مواجه شود یک امر عادی و غیر قابل انکار است هر چند این افراد در یک اجتماعی زندگی می‌کنند که مبنی بر وجود سیاست‌ها و مقررات قوی و مستحکم برای برقراری توسعه امنیت و نظم عمومی می‌باشد تا میزان نا آرامی در جامعه کم شود مهم این است که تا جای ممکن احساس نا امنی انسان‌ها در برابر رفتارها و اعمال غیر عادی اشخاص حقیقی و حقوقی را در یک جامعه به سطح قابل تحملی برساند. غرض این است که هر انسانی در طول زندگی اش با نوعی بزه دیدگی مواجه می‌شود لذا نیازمند برخورداری از حمایت‌ها و مساعدت‌های گوناگون کیفری اجتماعی فرهنگی مالی روانی از سوی سازمانهای مختلف رسمی و غیر رسمی در برابر ناملایمات و رفتارهای سوء اجتماعی است. اما این احساس نیاز فقط برای این نیست که شخص ابتدا مورد بزه دیدگی قرار گیرد و بعد از او حمایت شود بلکه این نیاز برای مرحله قبل از بزه دیدگی در شرایط عادی نیز می‌باشد بنابراین حمایت از بزه دیدگان یا همان بزه دیده شناسی حمایتی رهیافتی نو در قلمرو علوم جنایی است که با ورود آن به سیاست جنایی می‌تواند یک الگوی نظام دادگری جنایی را ترسیم نماید که علاوه بر بزه‌کار به بزه دیده نیز توجه داشته باشند. بنابراین با توجه به اینکه دسته و گروهی از افراد جامعه وجود دارند به علت آسیب پذیری آنها نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی آسیب پذیرتر می‌باشند این دسته از بزه دیدگان در واقع همان بزه دیدگان بی گناهی هستند که هیچ نقشی حتی جزئی در وقوع بزه دیدگی شان ندارند و بزه دیدگی شان صرفاً بر اثر برخی خصایص و ویژگی‌های خاص شان می‌باشد و این افراد به دلیل قرار گرفتن در موقعیت‌های خاص مورد سوء استفاده‌های مختلف و گوناگونی قرار می‌گیرند که نیازمند حمایت‌های ویژه می‌باشند.

در راستای حمایت از این بزه دیدگان می‌توان به قانون جامع حمایت از معلولان ۱۳۸۳، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱، و منشور حقوق حقوق و مسئولیت‌های حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که این امر می‌تواند بیانگر توجه قانونگذار کشورمان برای حمایت از این بزه دیدگان در سالیان اخیر باشد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ارتکاب اشکال مختلف شکنجه، خشونت علیه کودکان را ممنوع اعلام داشته است و برای آن مجازات در نظر گرفته است اما در مورد حمایت شکلی از کودکان جزء در موارد خاص و استثنایی مانند ماده ۵ این قانون و ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ حمایت ویژه ای به عمل نیامده است. در خصوص گونه ای دیگر از بزه دیدگان خاص یعنی سالمندان هیچ گونه حمایت کیفری ویژه ای از نظر ماهوی و شکلی به عمل نیامده است. اما در مورد اشخاص آسیب پذیر دیگر یعنی معلولان حمایتی که از این اشخاص به عمل آمده می‌توان به قانون حمایت از معلولان اشاره کرد که مهمترین قانون در زمینه حمایت از معلولان می‌باشد این قانون با نگاه حمایتی و رفاهی تقریباً تمام نهادها و سازمان‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی را مکلف به حمایت از حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی معلولان کرده است که گامی مهم در جهت حمایت از معلولان یا به عبارتی اشخاص ناتوان می‌باشد اما این قانون فاقد ضمانت اجرای مؤثر کافی از جمله ضمانت اجرای کیفری می‌باشد. همچنین در مورد بزه دیدگان جنسیتی باید گفت که حمایت کیفری از این بزه دیدگان در قوانین کشورمان محدود است که نیازمند اصلاحات می‌باشد. اما رویکرد قوانین بین المللی برای حمایت از بزه دیدگان دارای سابقه طولانی است. بزه دیده شناسی در اعلامیه اصول بنیادی دادگری جنایی بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت سازمان ملل متحد ضمن اینکه یک تعریفی از بزه دیده ارائه نموده در کنار آن واژه حمایت را پذیرفته است و با تأکید بر اینکه مقررات اعلامیه هیچ گونه تبعیض را در مورد بزه دیدگان را قبول ندارد و از طرف دیگر حق‌های بزه دیدگان را به منزله حق‌های انسانی مورد شناسایی قرار داده است و الگوهای حمایتی از بزه دیدگان را تحت عنوان کمک بیان داشته است که این الگوهای حمایتی می‌تواند احقاق حق‌های بزه دیده را در فرایند جنایی تضمین نماید که موارد این الگو می‌تواند حمایت مالی، پزشکی، عاطفی،

حیثیتی، شکلی و اجتماعی باشد که تصویب این سند در واقع اوج تلاش و تحولات بین المللی در راستای حمایت همه جانبه اعم از کیفری و پیشگیرانه از بزه دیدگان جرایم تلقی کرد. و یا در پیش نویس کنوانسیون ۲۰۱۰ حق های بزه دیدگان در آن بازتاب یافته است کمک و تأمین امنیت بزه دیدگان به رسمیت شناخته شده است و حق دادن به بزه دیدگان برای ارائه دیدگاه ها و نگرانی ها و حق جبران خسارت برای بزه دیدگان پیش بینی کرده است. و به یمن مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بزه دیدگان وضعیت بهتر و مناسب تری در دادرسی کیفری بین المللی پیدا کرده اند زیرا در دیوان های موقت بزه دیدگان در کل نقشی نداشتند در این اساس نامه توجه به منافع خاص بزه دیدگان آنها را به یک طرف رسیدگی مبدل می نماید که برای عدالت کیفری بین المللی یک هدف مهم است و همچنین در مواد ۷۵ و ۶۸ این اساسنامه حقوق صریحی برای بزه دیدگان از جمله حق خسارت در نظر گرفته شده است. اما از آنجایی که یکی از ضرورت های زندگی اجتماعی امروزه وجود شخص حقوقی است زیرا اداره جامعه و جریان کارها بدون وجود اشخاص حقوقی امکان پذیر نیست. ولی به دلیل افزایش روزانه ارتباط اشخاص حقیقی با این اشخاص حقوقی به تناسب این امر بزه دیدگی افراد جامعه به علت برخی اعمال سودجویانه و منفعت طلبانه آنها افزایش می یابد و این بزه دیدگان نیازمند حمایت هایی چه از نظر مالی و کیفری و چه از نظر شکلی و عاطفی و روانی از سوی قانونگذار کشور می باشد و این حمایت ها در سایه مسئول دانستن این اشخاص تحقق می یابد که در قوانین ایران مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی حقوق عمومی مانند دولت ها پیش بینی نشده است و بیشتر به تخلف شخص و مسئولیت شخص مدیران و متصدیان شخص حقوقی حقوق عمومی مانند دولت ها پیش بینی در حالی که در حقوق بین الملل تا حدودی به مسئولیت دولت ها و سازمانهای بین المللی توجه شده است و به مباحثی از قبیل جنایات جنگی دولت ها، جنایت علیه بشریت، تبعیض نژادی و... مورد توجه قرار گرفته است و گام های مؤثری در این زمینه برداشته شده است اما متأسفانه این قوانین بین المللی به علت ضعف در ضمانت اجرا نتوانسته اند دولت متخلف را محاکمه و به کیفر برسانند. اما مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خصوصی در پاره ای قوانین پیش بینی گردیده است که در این مورد می توان به جرم تقلب در مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی اشاره کرد که قانونگذار بزه دیدگان این جرایم را در قانون مواد خوردنی آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ یا قانون تعزیرات حکومتی در مورد امور بهداشتی و درمانی مورد توجه و حمایت خود قرار داده است و مرتکبان این جرایم را در صورت تکرار جرم مجازات آنها را شدیدتر کرده که این قانون و قوانین مرتبط با آن برای حمایت از بزه دیدگان این جرایم که بر اثر اعمال اشخاص حقوقی صادر می شود مؤثر باشد اما در این قانون هیچ گونه حمایت شکلی از بزه دیدگان آن به عمل نیامده است و در این قوانین کیفری یا قوانین دیگر در رابطه با جرایم اشخاص حقوقی بیشتر به مجازات مدیران و مسئولان این مؤسسه ها پرداخته اند این امر یعنی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بدون مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی قابل تصور نیست و این امر می تواند دلیل قوی برای وقوع جرم باشد زیرا مستند دانستن فعل نسبت به یکی از مدیران دشوار است. حمایت های شکلی از این بزه دیدگان بیشتر تابع قوانین و مقررات عمومی است و هیچ گونه حمایت ویژه ای از آنها به عمل نیامده است ولی حقوق شکلی برای این بزه دیدگان مهم است زیرا خود این بزه دیدگان هستند که مشخص می نمایند چه منافی را می خواهند بیشتر مورد توجه قرار گیرد. احضار و بازجویی شخص حقوقی و ابلاغ به وی در قوانین آیین دادرسی کیفری به هیچ وجه مطابق با وضعیت شخص متهم حقوقی نیست و این امر بیشتر در حق مدیران صورت می گیرد و همین طور اشخاص حقوقی مانند اشخاص حقیقی پیشینه محکومیت کیفری ندارند و هیچ گاه در پرونده کیفری آنها به صورت مستقل درج نمی گردد و افراد جامعه را در معرض بزه دیدگی های بیشتری قرار می دهد که این امر نیازمند توجه قانونگذار برای کاهش بزه دیدگی و حمایت از بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی می باشد. اما حقوقی برای بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است موارد عمومی می باشد. بنابراین با وجود این امور جهت بهبود وضع بزه دیدگان و حمایت از آنان پیشنهاداتی ارائه می گردد: ۱) قانون جامع برای مجازات اعمال مجرمانه اشخاص حقوقی تدوین شود که تمام جرایم اشخاص حقوقی در آن

بیان شده باشد و هم شامل قوانین شکلی باشد تا نحوه محاکمه اشخاص حقوقی مشخص گردیده باشد و روند دادرسی فقط متوجه مدیران و مسئولان نباشد و حمایت‌های ویژه‌ای که قانون‌گذار می‌تواند از بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی به عمل آورد در آن مقرر گردد تا این امر باعث اعمال سلیقه‌های متفاوت قضات دادگاه‌ها نشود. و تشکیل دادگاهی به نام دادگاه رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی، که هم به جرم و هم ضرر و زیانی که بر اثر ارتکاب این جرایم به بزه‌دیدگان وارد شده است رسیدگی نماید و حق ارجاع هیچکدام را به مرجع دیگر جهت رسیدگی را نداشته باشد. (۲) لزوم تشکیل دفتری در دادگاه‌ها به نام « دفتر حمایت از بزه‌دیدگان » جهت راهنمایی و مشاوره در امری که به موجب آن مورد بزه‌دیدگی قرار گرفته‌اند زیرا بیشتر بزه‌دیدگان به علت ترس یا برخی عوامل از اعلام امری که در روند دادرسی به نفع آنها می‌باشد خود داری می‌نمایند که با این مشاوره‌ها و راهنمایی‌ها روانشناسی و حقوقی و مذهبی بزه‌دیده به یک قوت قلبی برسد و هم احساس گناه ننماید. (۳) آموزش و تدریس حقوق به عنوان یکی از دروس اصلی در دانشگاه‌ها و مدارس جهت آگاهی افراد جامعه از حقوق خود و جرایمی که ممکن است بر علیه آنها اتفاق افتد و بیشترین بزه‌دیده را داشته است که در کاهش بزه‌دیدگی یا بزه‌دیدگی‌های مجدد موثر باشد. (۴) لزوم وجود بیمه‌ای به نام « بیمه بزه‌دیدگان » که در آن تمام افراد جامعه شخصاً و یا توسط ادارات و مؤسساتی که تحت حمایت مالی آنها قرار دارند یک مبلغی را به بیمه پرداخت کرده تا در صورتی در طول آن سال مورد بزه‌دیدگی قرار گرفتند حمایت مالی بیمه به آنها کمک نماید.

#### منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری جلد دوم، سازمان و صلاحیت مراجع کیفری، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ یازدهم، ص ۱۰۸.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، منبع پیشین، ص ۳۰۸.
- آشوری، محمد (۱۴۰۰)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، منبع پیشین، ص ۹۴.
- بیژنی میرزا، طیبه و شاملو، باقر (۱۳۹۶). دادرسی ترافعی در پرتو بزه‌دیده‌شناسی اولیه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی. ۱۰(۳۵)، ۵۷-۳۲.
- پارسایی، افشین، سایبانی، علیرضا و رهگشا، امیرحسین (۱۴۰۰)، سازوکارهای حمایت از بزه‌دیدگان در برابر جرایم سازمان‌یافته اشخاص حقوقی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۲(۱)، ۲۶-۷.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، چاپ اول، ص ۶۷.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۰)، جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، نشریه علوم انسانی، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۵۹.
- توسلی، علی (۱۳۸۹)، کیفرهای حمایتی از حقوق ثبت، نشر دادگستر، چاپ اول، صص ۳۹، ۴۰.
- داودی مهدی، حاجی تبار فیروزجایی حسن، کاظمی جویباری مهدی (۱۳۹۹)، آسیب‌شناسی حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند در نظام کیفری ایران (با نگاهی به اسناد بین‌المللی و حقوق آمریکا). مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی ۱۴: ۴۰۶-۳۹۱.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷ و ۵۶، پاییز و زمستان، ۱۳۸-۱۸۴.
- عمید، حسن (۱۳۸۱)، منبع پیشین، ص ۳۳۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، شهادت، اماره، سوگند و اصول علمی، نشر میزان، چاپ سوم، ص ۱۴.

کاظمی، سید سجاد و چگینی، حامد (۱۴۰۰). چالش‌های احقاق حق بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰(۲)، ۱۸۰-۲۰۱.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). محشای قانون مجازات اسلامی، منبع پیشین، صص ۳۳۲ و ۳۳۳.  
لعل‌علیزاده، محسن (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۹)، ۹۵-۱۲۶.  
محمودی برام، جواد و صالحی، کریم (۱۴۰۰). بزه دیده شناسی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، دوره ۶ شماره ۱۵، ۲۰-۱.

میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۰). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ هشتم، ص ۴۹.  
میرکمالی، سید علیرضا (۱۳۹۴). نقش بزه دیده در حقوق کیفری انگلستان مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی.  
ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۷۰.  
ویلیامز، کترین (۱۳۸۲). تأملی بر بزه دیدگی و انواع آن ترجمه دکتر علی صفاری مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۸، ۲۰۰۳، ۲۶۳ تا ۲۶۴.